

سرقت در دل توفان

(نیروی طبیعت) پاپازی مل گیپسون نتوانست انتظارات را براورد کند

گونه اکشن تا به امروز فیلم‌های مختلف و متفاوتی را در معرض دید تماشاگران علاقه‌مند قرار داده است. با این حال، تولیدکنندگان فیلم‌های سینمایی تلاش دارند با هر محصول جدید اکشن خود، دست به نوآوری زده و چیز جدیدی به تماشاگران ارائه کنند. این کار البته با درس‌ها و مشکلات زیادی روبروست و همیشه هم، حاصل کار چیز مقبول و قابل قبولی از آب دزمی‌آید. با وجود این، فیلمسازان و تهیه‌کنندگان همچنان در این راه قدم بر می‌دارند و در صدد ارائه کارهایی نو و تازه هستند. اکشن دلهره‌آور (نیروی طبیعت) را هم می‌توان در همین باطیحه مورد ارزیابی قرار داد. گرچه داستان فیلم درباره یک سرقた است و همان ماجراهی خنثماشده و تکراری محصولات یک سرقت بزرگ را به تصویر می‌کشد، اما معنی کردۀ این داستان قدیمی را به شکلی تازه و بدیع تعریف کند. همین نکته، نیروی طبیعت را از فیلم‌های مشابه جدا و دور می‌کند. اما این تفاوت به تنهایی نمی‌تواند امتیازی بزرگ برای فیلم باشد.

آن، سر صحنه فیلمبرداری و برای خلق توفان خرج شد. نبیرو طبیعت امکان اکران عمومی در آمریکا پیدا کرد و دنها نمایش عمومی محدودی در چند کشور کوچک خارجی هم چون وینتام و مالزی داشت.

در اکثر نقدهای سینمایی، نام بردن از آلمان دوران حزب نازی و فاشیسم نقد شد. منتقدان این پرسش را مطرح کردند که چه دلیلی وجود دارد را کشته که درباره یک سرقت است، پای اشیای هنری به سرقت رفته توسط فاشیست ها در دوران جنگ جهانی دوم به وسط کشیده شود. داستان فیلم می‌توانست خیلی ساده مثلاً درباره سرقت جواهرات یکی از ساکنان رومند آپارتمان باشد. منتقدان از تباطع دادن مالک آپارتمان به ارتش نازی و حضور مخفیانه اش در آمریکای معاصر را نوعی عوامگیری معرفی کردند که به قصد حقه زدن به تماشاجی صورت گرفته است. به باور منتقدان، فیلم ساز با بهره گیری از این موضوع تلاش داشته برای داستان اکشن و معمولی خود، کسب اعتبار و حیثیت هنری و اجتماعی کند.

کارگردان فیلم در مصحابه‌ای اعلام کرد گیبسون به احترام او حاضر بشه بازی در فیلم شده و اکثر اصرارهای او نبود، بازیگر دیگر نقش پلیس بازنشسته داستان را به عهده می‌گرفت. نیروی طبیعت جزو محصولات کم خرچ هالیوود به حساب می‌آید. کل پولی که صرف ساخت آن شد، کمتر از ۴۴ میلیون دلار است. بخش مهمی از این مبلغ هم، صرف جلوه‌های ویژه برای خلق یک توفان در مکان فیلمبرداری بود. اطلاعی از رقم دستمزد گیبسون نیست. اما با توجه به رقم هزینه تولید فیلم، می‌توان حدس زد که او هم پول زیادی برای حضور جلوی دوربین نگرفته است. ماه می ۲۰۱۹ که خبر ساخت نیروی طبیعت اعلام و رسانه‌ای شد، پالیش از ساخت درام اکشن مستقلی صحبت کرد که اختصاص به سینمای مستقل و غیرهالیوودی آمریکا دارد. روزن همان سال، کلید فیلمبرداری فیلم در منطقه پورتوريکو زده شد. شرکت مستقل فیلماسازی لاینرگیت که تولید و توزیع فیلم را به عهده گرفت، خبر از آن می‌دهد که ۱۵ میلیون دلار از هزینه ۱۳۳ میلیون دلاری تردد است. مایکل پالیش

زندگی است، نبرد سختی بین سرمی گیرد. در پایان ماجرا، رک از پادشاه ایندیا، پادشاه دیگری، توفار آچه در نیروی طبیعت مورد تو بهره‌گیری از یک توفان در دل یک خوین بود. به گفته آنها، استفاده طبیعی در کار درگیری خود ساخته است، اما این تعریف مانع از آن نموده است. فیلم را بنهان کنند. در کل چندان نظر مثبت منتقدان راهه خواهند گرفت. از کلامیتی چون تکرار کلیشه ها و استقبال از فیلم رفتند. حتی بازگشایی در بین هم توانست اعتبار چندان خلق کند. حتی بسیاری از منتقدان این هنرمند قدیمی در نیروی طبیعی مکمل ظاهر شده و کار درستی نداشتند.

شده است. کل داستان نیروی طبیعت، در یک محله کوچک در گوشاهی از شهر لس آنجلس اتفاق می‌افتد. کاردیلو (هیرش) یک مامور معمولی اداره پلیس در جریان یک توفان (که به تدریج سخت و خطرناک می‌شود) مامور گشت‌زنی در یک محله می‌شود. تروی بارت (بوسوورث) مامور تازه‌کاری است که با او در این گشت‌زنی همراه می‌شود. در جریان جایه جایی اهالی یک آپارتمان به یک مکان امن، این دو با سارقان مسلح رو به رو می‌شوند که قصد حمله به آپارتمان یکی از ساکنان را دارند. حجم بالای فعالیت سارقان، حکایت از بزرگی عملیات‌شان دارد. قربانی، یک افسر سابق اس اس است که گنجینه‌ای که اینها از عتیقه‌جات قدیمی را در آپارتمانش دارند و همین کلکسیون اشیاء قیمتی است که سارقان را به این محل کشانده است. کاردیلو و تروی در آپارتمان، ری (گیبسون) پلیس بازنشسته را ملاقات می‌کنند، که به کمک آنها می‌آید. در حالی که توفان در حال از بین بردن نشانه‌های مل گیبسون، بازیگر که از تبار سینما در این اکشن ماجراجویانه، نقش مقابل دو بازیگر جوان سینما امیلی هیرش و کیت بوسوورث را بازی کرده است. مایکل پالیش کارگردان فیلم، تجربه چندانی در ارائه فیلم‌های سینمایی ندارد و در کارنامه نه چندان بلندش، اثر چندان پررونقی دیده نمی‌شود. با این حال، منتقدان سینمایی نیروی طبیعت او را بهترین ساخته سینمایی اش تابه امروز می‌دانند. بر همین اساس، آنها ابراز امیدواری می‌کنند فیلم‌های آینده‌اش بهتر دیده و معرفی شود و موفقیت خوب مالی در جدول گیشه نمایش سینماهای بدست بیاوردند. در کنار بازیگران که نقش‌های مهم فیلم را به عهده دارند، مکان محدود فیلمبرداری (که شامل یک آپارتمان چند طبقه می‌شود) و نیروی قوه‌ای طبیعت (که در اینجا خودش را به شکل یک توفان بزرگ و پر انگر به نمایش می‌گذارد) هم دو عنصر مهم داستان معرفی شده‌اند. اهمیت این دو عنصر به اندازه‌هایمیت بازیگران و شخصیت‌های داستان. اعلام

نمای پسته از سارقان!



اعتنایی ختم شده که بسیاری از آنها در زمان خود مورد توجه نیز واقع شده‌اند. در ادامه به چند نمونه از این آثار اشاره می‌کنیم که ماجراهای فیلم و شخصیت‌های آنها روی داستان پر تکرار دزد و پلیس سوار شده‌اند.

مکانات فنی و شرایطی می‌شند، اما سینمای کشش در ایران و در مواجهه با این گونه سینمایی مسیر خاص خودش را دنبال کرد. شاید در سینمای ایران فیلم‌های اکشن پر ایجاد هبhaft باعثی داشته باشد و محدود تلاش‌های

نرگس

۱۳

فیلم، قصه جوانی به نام عادل بازی ابوالفضل پورعرب و زنی به نام آفاق (فریمایه فرجامی) را روایت می‌کند که از راه دزدی گذران زندگی می‌کنند، اما روزی عادل در جریان یک سرقت دستگیری شود. جیب برها به هشت نمی‌روند

فیلم‌هایی که سرقت را روایت می‌کنند

عالیوودی رقم زده باشد، اما در کشور ما کشن، داستان‌های جذاب و میهوش کننده شاید کلیشه دزد و پلیس در زیرمجموعه زانر مقابله اعتنا و تامل برانگیر هستند.

عالیوود میهوش کننده و چشمگیر نباشد،

والحسن داودی

۱۳

قصه دلشاد، جوان دستفروش دوره‌گرد با بازی علیرضا خمسه را روایت می‌کند که هر کاری می‌کند به در بسته می‌خورد و سرانجام با یک گروه سارق همراه می‌شود. در این بخش از فیلم می‌توانیم بگذرانیم که موقعيت درام رابه نمایش می‌گذارد تا صوری دقیق از لایه‌های روانی شخصیت‌ها به خصوص سارقان نمایش بدهد. در حقیقت فیلم‌سازان ایرانی در مواجهه با

دستهای آلوود

سیروس الوند
۱۳۷۸

سیامک (ابوالفضل پورعرب)، دبیا (هدیه تهرانی)، نادر (امین حیایی) و رؤبا (الهام ایمانی) چهار جوان هستند که دست به سرقتی بزرگ از یک مراسم عروسی اعیانی می‌زنند.

جزایی که از مکان فیلمبرداری تا همکاری بیلیس را شامل می‌شود و البته در غیبت یلیمنامه‌های دقیق و خوش ریتم، لاجرم به سراغ درام‌های روانکاوانه، فنه‌اند و لایه‌های وجودی سارقان در موقعیت‌های متعدد را تصور کشیده‌اند. این چرخش و تغییر مسیر ناگزیر فیلم‌سازان ایرانی به آثار قابل

بیسیار شلوغ ویر است. گیبسون کمدمی اکشن کریسمسی «مرد حیاک»

را در مراحل پایانی تولید دارد، که در آن نقش بابانوئل را بازی می‌کند.

(روچیلد) داستان یک میلیاردر نیویورکی را تعریف می‌کند و گیبسون نقشی پدرخوانده‌گونه در آن دارد. البته شایعاتی هست که خبر از عدم حضور بازیگر در آن می‌دهد. این در حالی است که رسانه‌ها گفته‌بودند داستان فیلم در ارتباط با سلسلهٔ ثروتمند و بانکداریه‌ودی روچیلد است. تا اگر نیاز به ادامه داشتید،

گیبسون این اعماق را در سال ۱۹۰۶ کار فیلمبرداری «آخرین نگاه‌ها» را تمام کرد و در حال آماده شدن برای بازی در اکشن دلهزه آور جو کارناهان (لیواز تولد) در کنار فرانک گریلو است. فیلم اویل سال ۲۰۰۷ جلوی دوربین می‌رود. در فیلم، او کار چاق‌کنی اهل کانزاس سیتی است که با گووهای مافیایی در ارتباط است. بیماری فراموش کاری او، کار دستش می‌دهد و ماجراهای فیلم را به جلو می‌برد. به گفته گیبسون: «برایم هیچ چیز جالب تر این نیست که در فیلمی از کارناهان بازی کنم، به ویژه این که داستان فیلمش به شدت جذاب و درگیر کننده است. این فیلم ازان دسته فیلم‌هایی است که همیشه دوست داشتم بازی کنم». کارناهان هم روی این نکته تاکید دارد که لیواز تولد فیلمی است که گیبسون را به جایگاه خوب دوران گذشته اش بر می‌گرداند. با این حال، معلوم نیست این فیلم بعد از اکشن علمی

تخيلى (در سطح رئيس) «جلوي دوربین مي رودي با قيل آزان، اين اكشن آينده نگرانه داستاني در حال و هوای «روز گراندهاگ» دارد و شخصيت محوري داستان، هر روز با ماجرايي رو به رو مي شود که روز قبل برایش اتفاده و نمي تواند از اين دور تسلسل خودش را رها کند. اما خود گيبيسون اميد زيارد به نسخه دوباره سازی شده (دسته و حشى ها) سام پكين (پانيمايش داده شده در ايران با نام «ابن گورو خشن») دارد. شركت برادران وازنرو جري بروکها يمehr تهييه کننده اين نسخه هستند و هنوز کارگردانی برایش انتخاب نشده است. مایكل فاسبندر هم در اين فيلم حضور دارد. در عين حال، قسمت دوم درام مذهبی و پر فروش «مصلائب مسيح» هم هست. گيبيسون مدت هاست که می خواهد اين فيلم را باسازد و به دللي که معلوم نیست، توليد فيلم چند بار به عقب افتاده است. قسمت اول در سال ۲۰۱۴، موفق به فروش جهانی و دوران انتظار ۶۴ ميليون دلاري شد. در همان زمان، سينماهای ايران هم اين فيلم را ناميانش دادند. در حالی که خبرها حکایت از عدم حضور گيبيسون در دو فيلم «خواک های جنگی» (در نقش يك سرباز کهنگه کار جنگ که در گيريش ماجراي سیاسي بين المللي مي شود) و «پرونده های سیاه» (اكشن دلهزه آور تا شریدان که در شهر نيوپورك اتفاق مي افتد) مي کند، او صدایش را به دومين قسمت بويانامي «فرار جوجه اي» شركت مستقل فلمسازی آدمين، قض خواهد داد.

گفت و گوی و رایتی با مل گیبسون، بازیگر «نیروی طبیعت

رانگشته‌هارگاه خود را گذاشت؟

سال‌های ۱۹۷۹، ۱۹۸۱ و ۱۹۸۵ بازی کرد. به این ترتیب، معلوم نیست منظور از بازگشت به این مجموعه پروفروش چیست. به گفته اهل فن، گیبسون احتمالاً خواهد نقش شخصیت منفی داستان قسمت جدید را به عهده بگیرد. چهار قسمت مجموعه اکشن و آینده‌نگرانه مدمکس در سطح جهانی (آمریکا و دیگر کشورهای دنیا)، نزدیک ۵۰ میلیون دلار فروش داشته و حکم گنج حجج میر و شرکت فوکس قرن بیستم را دارد. این طوره نظر می‌رسد که برای گیبسون هم این فیلم حکم مرغ تخم طلا را دارد.

گیبسون در شرایطی صحبت از بازگشت به مد مکس‌ها می‌کند، که در نیروی طبیعت نقش مکمل را بازی کرد و شخصیت محوری داستان این اکشن را فاجعه‌بار، دو بازیگر جوان بودند. اما گیبسون این طور فکر نمی‌کند و می‌گوید: «فیلم سه شخصیت مرکزی دارد، که من یکی از آنها هستم، به داستان فیلم که نگاه می‌کنم، می‌بینید و بدن شخصیتی که من ایفا کرده‌ام ماجراها جلو نمی‌رود و گره‌گشایی صورت نمی‌گیرد. معنی نقش اصلی این نیست که شما در سراسر فیلم، روی پرده سینماخضم داشته باشید».

در عین حال، او بازی در فیلم دفاع کرده و اضافه می‌کند: «آنچه در نیروی طبیعت برای من بسیار مهم بود، لحن تازه و داستان جدیدی داشت که قبل از این نمونه‌اش را در فیلم‌های سینمایی ندیده‌ام. هر سال تعداد زیادی فیلم درباره سرقت‌های بزرگ ساخته می‌شود، اما وقتی نیروی طبیعت را تماساً می‌کنید، این احساس را دارد که چیز تازه‌ای به شما ارائه شده است. این نوع تازه‌ای از داستان‌گویی در انرژی سینمایی سرقت است. همین یک دلیل کافی بود تا بلاعده دعوت به بازی در فیلم را قبول کنم.» با وجود عدم استقبال متقدان از نیروی طبیعت، تحلیلگران اقتصادی سینما صحبت از سودآور بودند گیمسون و فیلم‌هایش می‌کنند. به اعتقاد آنها، گیمسون در رشته کارگردانی ثابت کرده هنرمندی پولساز است. اکشن جنگی سال ۲۰۱۶ (او) «تیغه هکساو» موفق به فروش جهانی ۱۸۰ میلیون دلار شد. سهم سینماهای آمریکای شمالی از این رقم، چیزی حدود ۶۷ میلیون دلار بود. این موفقیت در شرایطی نصیب تیغه هکساو شد که معمولاً محصولات جنگی فروش بالا و مقبولی در جدول گیشه نمایش سینماهای این کنند.

قراردادهای کاری با زنگ حکایت از به روز بودن او می‌کند. در حالی که بازیگران جوان دنیا سینماهای همزمان قرارداد اداری در چند فیلم را ندازند، گیمسون خود را آماده حضور پی در پی در تعدادی فیلم تازه کرکره می‌داند. کارهای این سینماهای جوان را می‌توان در اینجا معرفی کرد: